

دکتر باقرپور کاشانی



گزارشی از نتایج تحقیقات عبدالرزاق  
نوفل در اعجاز عددی قرآن

## گزارشی از نتایج تحقیقات عبدالرزاق نوفل

### در اعجاز عددی قرآن

در ادامه مباحث اعجاز عددی و ریاضی قرآن، یک بحثی مطرح است که جمعی از قرآن پژوهان آمدند روی کلمات کلیدی قرآن، آن‌ها را استخراج کردند خیلی از این کلمات کلیدی را، و تکرار آن‌ها را بررسی کردند تکرار معناداری که در ارتباط با این کلمات هست، و به یک تناسب خاص و ارتباط بین کلماتی که مقابل هم هستند، ترادف با هم‌دیگر دارند، آمدند چیزهایی را کشف کردند.

از جمله این بزرگواران، قرآن پژوه مصری بوده عبدالرزاق نوفل (متوفی ۱۴۰۴ هجری قمری)، ایشان در این خصوص دو تا کتاب دارد «الاعجاز العددی فی القرآن الکریم» این یک کتابش، «معجزه الارقام و الترقیم» این کتاب دومش.

خب این جناب عبدالرزاق نوفل در همین کتاب «الاعجاز الاعددی فی القرآن الکریم» ایشان در مقدمه کتاب یک نکاتی را می‌گوید که حالا من خلاصه آن‌ها را خدمت شما عرض می‌کنم و نتیجه تحقیقات ایشان و این جلسه ارائه می‌دهم و این جلسه آخرین جلسه‌ای است که مبحث اعجاز عددی قرآن و در خدمت بزرگواران هستیم.

ایشان در همین مقدمه کتاب «الاعجاز العددي في القرآن الكريم» می‌نویسد که: این جانب در سال ۱۹۵۹ میلادی، در خلال تألیف کتاب «الاسلام دين و دنيا» متوجه شدم که تعداد لفظ «دنیا» در قرآن مساوی با لفظ «آخرت»، همچنین در سال ۱۹۶۸ میلادی در هنگام تألیف کتاب «عالم جن و ملائکه» متوجه شدم که کلمه «شیطان» به اندازه کلمه «ملائکه» در قرآن به کار رفته! همین مسئله باعث تعجب من شد؛ این برایم خیلی تعجب‌آمیز بود، عجیب بود! و این زمینه این بود که استارت سرچ کردن روی کلمات دیگر و تناسب و ارتباطی که بین کلمات را من انجام بدهم.

ایشان می‌گوید که این کاری که من در بین کلمات کردم دیدم موضوعاتی که مثل و مانند یکدیگرند، آن‌ها را آمدم سرچ کردم، عده‌های خاصی را به دست آوردم. موضوعاتی که در تقابل و تضاد با هم‌دیگر هستند، یا کلماتی که در تضاد با هم‌دیگر هستند، مثلاً «حیات و مرگ»، آمدم این‌ها را سرچ کردم، اعداد خاص و متناسبی به دست آوردم؛ و موضوعاتی که حالا مثل هم نیستند و تضاد هم با هم‌دیگر ندارند، ارتباط با هم‌دیگر هست، دیدم که اعداد و ارقام بین آن موضوعاتی که ارتباط هست، این‌ها خاص هست. بعد ایشان آن کلمات و این تحقیقات خودش و در این کتاب که ارائه می‌دهد، در پایان کتاب چنین نتیجه می‌گیرد که:

۱. قرآن معجزه‌ست و امکان ندارد که نظم ریاضی قرآن تصادفی و اتفاقی باشد.

۲. مواردی که ذکر شد تنها گوشه‌ای از این اعجاز است و اگر در قرآن تدبر و تأمل شود موارد بیشتری از این نوع اعجاز کشف خواهد شد.

۳. اعجاز عددی قرآن، اعجاز حقیقی و ملموس است نه اعجاز ادعایی و این نوع اعجاز قابل مناقشه نیست، چون زبان اعداد و ریاضی قابل قبول برای هم هست.

همه این را می‌فهمند، اکنون هم با کامپیوتر امکان سرچ هست، عددها کاملاً روشن، برای همه هم قابل فهم است.

این کتابی که ایشان دارد دو بار به زبان فارسی ترجمه شده؛ یکی در سال ۱۳۶۲، توسط آقای مصطفی حسینی طباطبایی به نام «اعجاز عددی در قرآن کریم» چاپ شد، ترجمه‌اش چاپ شد در ایران. ترجمه دومش در سال ۱۳۸۳، توسط آقای سعید همایون به نام «معجزه اعداد در قرآن کریم» به چاپ رسید.

حالا آن کشفیات ایشان در قرآن و می‌خواهم مورد ارزیابی این جلسه قرار بدهیم و خب بزرگواران می‌توانند با سرچ کردن، نرم‌افزارهایی که هست، حتی در خود گوگل امکان راست‌آزمایی این ادعاها هست.

ایشان تحقیقی کرده در واژه شهر، «الشهر» به معنی «ماه» در قرآن، دیده به تعداد ماه‌های سال، یعنی ۱۲ مرتبه در قرآن آمده، کلمه شهر. خب این می‌گوید که ۱۲ ماه داریم، ۱۲ بار هم در قرآن این کلمه آمده. دوم، کلمه «یوم» به معنای روز، شبانه روز، روز، ایشان آمده بررسی کرده گفته به تعداد روزهای سال، یعنی ۳۶۵ مرتبه در قرآن آمده. خب این‌ها یک چیز اتفاقی نمی‌تواند باشد! حالا وقتی هی تعدادش بیشتر باشد می‌گوید حالا این مورد این‌طوری درآمده، مورد بعدی چی؟ مورد بعدی چی؟ بعد این مسئله را تقویت می‌کند. یا مثلاً ایشان کلمه «الساعة» آمده در قرآن بررسی کرده، دیده ۲۴ بار در قرآن آمده، یعنی الساعه که ۲۴ ساعت هست، ۲۴ بار در قرآن آمده. کلمه «سجده» و مشتقات آن، آمده شمرده ۳۴ مرتبه در قرآن آمده که به تعداد سجده‌های نمازهای یومیه هست.

حاضران: بعد یک سوال، مگه مفهومی مثل ساعت و ماه، یک مفهوم اعتباری نیست؟

چرا چرا، ولی بالاخره در همین اعتباریت، چه قمری چه شمسی، این‌ها لحاظ شده دیگر و خب حالا ممکن است یک نفر بگوید ساعت را شما اعتبار کردید، می‌توانید مثلاً به جای ۲۴ ساعت بگویید که ۴۸ ساعت در نظر بگیریم، این آقا ادعا کرده که این‌ها جزء پیش‌گویی‌هایی هست که قرآن مطرح کرده، یا چنین چیزهایی هست در زمان پیامبر بوده، یا بعداً می‌خواسته این اعتبار صورت بگیرد، در هر دو حالت می‌گوید جزء عجایب قرآن است.

یا ایشان نگاه می‌کند، بررسی می‌کنند کلمه «شیعه» و مشتقات آن، می‌بینند ۱۲ مرتبه به تعداد امامان شیعه در قرآن به کار رفته.

دو کلمه «سماوات السبع» آسمان‌های هفتگانه، هفت مرتبه در قرآن آمده. لفظ «فرقه» همراه با مشتقاتش به تعداد فرقه‌های امت پیامبر طبق آن حدیث نبوی، به تعداد ۷۲ مرتبه به کار رفته.

حالا خاطریم هست آن ۷۳ مرتبه بود یا ۷۲ بود، حالا این قسمت را ایشان این‌طوری آورده.

یهود ۷۱، نصارا ۷۲، مسلمین ۷۳، این‌طوری مطرح شده.

یا ایشان می‌گوید کلمه «دنیا» و «آخرت»، به صورت مفرد در قرآن هر کدام ۱۱۵ مرتبه آمده.

دو کلمه «شیطان» و «فرشته» (ملائکه) در قرآن ۶۸ مرتبه به صورت جداگانه به کار رفته، که ایشان می‌گوید که آن کتاب دومی که می‌نوشتیم به این ویژگی به این چیز عجیب پی بردم. و همین انگیزه‌ای می‌شود که ایشان پژوهش خودش را در شمارش این کلمات در قرآن شروع بکند و دو کتاب چاپ بکند در این خصوص.

همچنین می‌گوید مشتقات هر یک از این دو کلمه، یعنی شیطان و فرشته، ۲۰ مرتبه در قرآن به کار رفته که جمعاً ۸۸ مرتبه و به طور مساوی در قرآن آمده است.

دو لفظ «حیات» و «موت» به طور مساوی در قرآن ۱۴۵ مرتبه آمده.

دو کلمه «بَصْر» و «بصیره»، «بَصْر» که می‌گوییم این چشم ظاهر هست دیگر، «بصیره» یعنی باطن، می‌گوید با مشتقات آن به تعداد مشتقات دو کلمه «قلب» و «فؤاد»، به تعداد ۱۴۸ مرتبه در قرآن آمده.

کلمه «سود» و «زیان»، «نفع» و «ضرر»، با مشتقات هر کدام در قرآن ۵۰ مرتبه آمده.

تابستان و گرما، «الصیف» و «الحرّ»، خب، این چیست؟ «الصیف» و «الحرّ» یعنی تابستون و گرما، زمستان و سرما «الشّتاء» و «البرد» به تعداد مساوی ۵ مرتبه در قرآن به کار رفته، لفظ تابستان و زمستان در قرآن یک مرتبه، گرما و سرما هر کدام چهار مرتبه ذکر شده.

خوبی‌ها، «صالحات» کلمه «صالحات»، بدی‌ها «سئیّات» در قرآن به یک اندازه به تعداد ۱۶۷ مرتبه در قرآن آمده.

کلمه دوزخ، «جهیم» و «عذاب» که مخصوص جهنم هست، هر کدام ۲۶ مرتبه در قرآن آمده.

پلیدی‌های مادی و معنوی، که تعبیر می‌شود به کلمه «رِجْس» و پلیدی‌های معنوی، کلمه «رِجْز» استفاده می‌شود، می‌گوید به طور مساوی همراه با مشتقاتش ده مرتبه به کار رفته شده. دو واژه «النّاس» و «رُسل»، رُسل جمع رسول، فرستاده، فرستادگان؛ همراه با مشتقاتش به طور مساوی ۳۶۸ مرتبه در قرآن به کار رفته.

دو واژه «القران» و «الوحی» می‌گویند همراه با مشتقاتش به تعداد ۷۰ مرتبه در قرآن جداگانه به کار رفته، یعنی ۷۰ مرتبه کلمه قرآن، قرآن و مشتقاتش، وحی و مشتقاتش ۷۰ مرتبه.

وحی نگاه می‌کنی، وحی اعم هست، وحی، خب بله به قرآن تعبیر وحی می‌شود، اما تنها به قرآن تعبیر وحی نمی‌شود؛ وحی، در این کلمه وحی این واژه دو مسئله لحاظ شده، یکی در وحی، خفا و پنهانی بودن، یکی سرعت و تندی.

یعنی آنی چیزی داده می‌شود و این چیز خفاست، پنهان هست، برای بقیه مشهود نیست و به عنوان یک سرّ، یک رمز که بین خدا و بالمعنی الاخص، بین حجت‌های الهی مطرح شده، وحی است. خب یکی از آن‌ها چیست؟ قرآن هست. اما به این معنا نیست که حالا ائمه معصومین علیهم‌السلام که، بعد به شهادت رسیدن نبی مکرم دیگر وحی قرآنی نداشتیم، وحی منقطع شد، وحی می‌شده به حضرات معصومین؛ با آقا امیرالمومنین تا خاتم الاوصیاء حضرت بقیه‌الله، وحی می‌شد و وحی هم می‌شه، لذا این وحی اعم هست نسبت به قرآن، مثلاً حتی کلمه وحی به عنوان الهام فرض بکنید نسبت به زنبور عسل هم مطرح شده، کجا؟

در سوره مبارکه نحل، آیه ۶۸:

«وَأَوْحِي رَبُّكَ إِلَيَّ النُّحْلُ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ».

و پروردگار تو به زنبور عسل وحی نمود که از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند، (یعنی کندوهایی که مردم می‌سازند)، خانه‌هایی برگزین، یعنی این حالت و خداوند به عنوان وحی، به عنوان یک چیزی به عنوان الهام، به عنوان یک حالت غریزی در وجود زنبور عسل قرار داده که این زنبور عسل متوجه هست که برای این‌که کندو بسازد، برای اینکه در هر حال لانه خودش را، خانه خودش را بخواهد بسازد و زنبور بخواهد تولید بکند، در درختان به چه صورت، در کوه‌ها به چه صورت، و حتی انسان‌هایی که «یَعْرِشُونَ»، یعنی کندوها و داربست‌هایی که بشر می‌سازد بتواند اینجا زندگی بکند و عسل تولید بکند. روایتی هست از حضرت باقر علیه‌السلام در تفسیر عیاشی، جلد دوم صفحه ۲۶۳ از وجود نازنین امام باقر علیه‌السلام سوال می‌کنند آقا « وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَيَّ النَّحْلِ ... » این وحی چه وحی‌ای هست؟ منظور چیست؟ منظور از وحی [چیست]؟ حضرت می‌فرمایند: قَالَ «الْهَامُّ». الهامی هست.

عرض من این است که وحی عامه، اما این وحی که این‌جا مطرح می‌شود، وحی‌ای هست که خدا به بندگان پیامبران مطرح می‌کند، این تعدادش ۷۰ تا آمده با مشتقات.

مثلاً وحی که در مورد زنبور عسل هست، ایشان شمارش نکرده، آن وحی که در ارتباط با بندگان و پیامبران و حجت‌های الهی مطرح است، تعدادش با مشتقات ۷۰ تا است، قرآن هم کلمه قرآن هم ۷۰ تا است.

این تناسب را ایشان در آورده. یا کلمه «الرحمن» در قرآن می‌گوید ۵۷ مرتبه آمده، کلمه «الرحیم» دو برابر «الرحمن» آمده، ۱۱۴ مرتبه.

«رحمان» یک رحمت عامی هست، «رحیم» یک امتیازات و مهربانی خاصی به بندگان خاصی هست و آن دو برابر آن آمده که نسبت به رحمان، رحمت عامه‌ای که نسبت به کافر و مومن و جمیع ماسوی‌الله مطرح است. کلمه «فَجَّار» سه مرتبه آمده، کلمه «ابرار» ۶ مرتبه در قرآن آمده.

این دو کلمه مقابل هم هستند دیگر، «فَجَّار» بدکاران، «ابرار» خوبان؛ این دو برابر فَجَّار آمده.

ابلیس و استعاده از آن، پناه بردن نسبت به ابلیس، «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» ابلیس و استعاده از آن هر کدام جداگانه ۱۱ مرتبه در قرآن آمده.

واژه «جزاء» در قرآن ۱۱۷ مرتبه آمده، واژه «مغفرت» دو برابر جزاء آمده یعنی ۲۳۴ مرتبه. بعضی آمدند این‌ها تناسبات به صورت استحسانی شرح کردن.

گفتند ببینید مثلاً «مغفرت» در قرآن دو برابر «جزاء» آمده این نشان می‌دهد که آمرزش خداوند، فضل خداوند، رحمت خداوند بر جزایش سیطره دارد، غالب هست.

گاهی اوقات این استحسان‌ها هم کردن جمعی. یا کلمه یُسْر، «الیُسْر» در قرآن ۳۶ مرتبه آمده، کلمه «عُسْر» هم به همین اندازه، آها کلمه «یُسْر» ۳۶ مرتبه آمده، که سه برابر واژه «عُسْر» به کار رفته.

خب بعضی دیدم که این تناسب و داشتن که ما انسان‌ها، خداوند روی امتحان‌هایی که می‌کند، به طور کلی یک سوم فرض کنید زندگی ما «عُسر» (سختی) هست، دو سومش «یُسْر» (آسایش) هست. این مسائل هم آوردند، حالا این‌ها را زیاد نمی‌شود محکم حرف زد پیرامونش، اما بالاخره این تناسب‌ها را ایشان آمده از آیات متعدد قرآن در آورده، بعد ایشان باز دیدم من کتاب‌های دیگری را واژه‌های دیگر کار کردند و این مسئله را درآوردند.



@aparat.com/be  
\_sooye\_zohoor



v\_bagherpour\_  
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-  
kashani.com/



@serat12k



youtube.  
com/c/seratehagh



https:  
//naakhodaa.ir